

سیمای حضرت فاطمه (سلام الله علیها) در سخنانش

<?xml encoding="UTF-8">



فاطمه و اصول اعتقادی:

1- ایمان به خدا:

نخستین ارزش برای انسان خداشناسی و ایمان به خدای واحد است بدون ایمان به خدا، هیچ عملی از انسان پذیرفته نیست. ارزش عمل انسان به میزان درجه ایمان او به خدا است. در این اصل فاطمه به عنوان یک زن نمونه بود:

الف) درجه ایمان فاطمه در مقام خداشناسی:

فاطمه (سلام الله علیها) در حدی بود که تمام خواستها و لذتها، درمقابل شناخت خدا نزد او ناچیز بود؛ نقل است روزی پیامبر اسلام از او پرسید فاطمه: چه در خواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشته وحی جبرئیل در کنار من است از طرف خدا پیغام آورده است که فاطمه (سلام الله علیها)! هر چه بخواهد پذیرفته است. فاطمه جواب داد:

«قَالَتْ: يَا أَبَتَا شَغَلْتَنِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ لَذَّةُ خِدْمَتِهِ لَا حَاجَةَ غَيْرُ لِقَاءِ رَبِّي الْكَرِيمِ فِي دَارِ السَّلَامِ.»

فرمود: «لذتی که از خدمت حق دارم، مرا از هر خواهشی باز داشته است حاجتی غیر از این ندارم که پیوسته

ب) درجه اخلاص فاطمه (سلام الله علیها) در عبادت:

فاطمه (سلام الله علیها) با اینکه در عبادت از تمامی زنهای عالم پیشی گرفته بود و برتری داشت، راجع به اخلاص در عبادت فرمود: «قَالَتْ: مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهَبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ.» «کسی که عبادتهای خالصانه خود را به سوی خدا فرستد، خدای بزرگ برترین مصلحت او را به سویش فرو خواهد فرستاد» (تفسیر امام حسن عسکری ص 261) (صحیفه الزهرا ص 300)

ج) درجه اخلاص فاطمه (سلام الله علیها) در انفاق :

عربی تازه مسلمان در مسجد مدینه، از مردم کمک مالی می خواست. در آن زمان وضع مالی مردم طوری نبود که هر کس به آسانی از عهده ای کمک مالی برآید. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به اصحاب و یاران نگاهی کرد، سلمان منظور پیامبر (صلی الله علیه و آله) را فهمید، برای رفع نیازمندی سائل از جا بلند شد، اما هر جا رفت با دست خالی برگشت. در راه بازگشت به مسجد نظرش به خانه فاطمه (سلام الله علیها) افتاد، در را کوبید؛ داستان عرب مستند را گزارش داد. فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: خدا می داند سه روز است که غذا نداریم؛ اما نیکی و نیکوکاری را که به خانه من آمده رد نمی کنم. پیراهنی را به سلمان داد تا در مغازه شمعون یهودی گرو گذاشته مقداری خرما و جو قرض گرفته به طرف خانه فاطمه (سلام الله علیها) آمد، عرض کرد: دختر رسول خدا: مقداری از این خوراک را برای فرزندان گرسنه ات بردار. «قَالَتْ: يَا سَلْمَانُ هَذَا شَيْءٌ أَمْصِيئَاهُ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَسْنَا نَأْخُذُ مِنْهُ شَيْئاً.»

فرمود: «ای سلمان این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادم، هرگز از آن جاپیزی بر نمی دارم» (احقاق الحق نور الله مرعشی ج 10 ص 321، بحار الانوار مجلسی ج 43 ص 73).

2 - اصل نبوت و 3 - امامت و 4 - عدالت.

که این سه اصل از اصول مهمه اعتقادی است: فاطمه (سلام الله علیها) خود در این سه اصل؛ ثمره نبوت، همسنگ امامت و قربانی راه عدالت است. پرداختن به این سه اصل درسخان فاطمه، خارج از ظرفیت چنین نوشته ای است خطبه فدکیه که در منابع شیعه و اهل تسنن آمده است در آن خطبه تمامی اهداف و فلسفه

نبوت و امامت و عدالت و احکام بیان گردیده است. در اینجا فقط در یک سخن تاریخی فاطمه (سلام الله علیها) در موضوع امامت بسنده می‌شود.

محمود بن لبید روایت کرده است که بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) فاطمه (سلام الله علیها) را در کنار قبر حمزه در اُحد دیدم که، با حالت تأثر آور مشغول عزاداری است. آمدم از او دلجوی کنم ضمناً از دلایل امامت علی (علیه السلام) از او سوال کردم، فرمود: عجباً روز غدیر را فراموش کرده‌اید؟! کلماتی ردّ و بدل شد، عرض کردم چرا علی سکوت کرد و حقّ خود را نگرفت؟ فرمود: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: امام مانند کعبه است مردم باید اطراف آن بگردند نه اینکه کعبه به دور مردم بگردد».

«ثم قالت: أَمَا وَاللَّهِ، لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ اثْنَانِ»

«اگر مردم حق را به اهلش واگذار می‌کردند از اهل بیت پیامبرشان، اطاعت می‌کردند، دو با هم اختلاف نمی‌کردند.»

سخنان فاطمه (سلام الله علیها) در این قضیه تاریخی شامل هر سه عنصر اساسی نبوت، امامت و عدالت است؛ واگذار کردن حق به اهل آن، هم مفهوم عدالت و امامت و هم حفظ آثار و اهداف نبوت است اگر ما راجع به این سه اصل مهم، از فاطمه (سلام الله علیها) سخنان دیگری هم در اختیار نداشتیم همین یک حدیث از سخنان آن حضرت در بیان مقصود کافی بود حال اینکه تمامی اهداف و فلسفه نبوت و امامت، عدالت، احکام و غیره در آن خطبه فدکیه منعکس است.

(کشف الغمّه اربیلی ج 2 ص 110، الکوکب الدّری حائری ج 1 ص 207 و احتجاج طبرسی ج 3 ص 132) (احقاق الحق ج 21 ص 26) (بحار الانوار مجلسی ج 78 ص 310) (الامامة والتبصرة من الحيرة ابن بابويه قمی ص 1) (کفایة الأثر الخراز القمی ص 199) (الایضاح ابن شاذان الأزدي ص 53) (المسترشد محمد بن جریر الطبری) (الشیعی ص 147) (الصراط المستقیم ج 2 علی بن یونس العاملی ص 123).

5- فاطمه (سلام الله علیها) و عالم پس از مرگ:

فاطمه (سلام الله علیها) همیشه به فکر عالم پس از مرگ به سر می‌برد در هیچ حالی از عالم و قبر و قیامت غافل نبود که در اینجا به بعضی از سخنان فاطمه (راجع به عالم پس از مرگ اشاره می‌شود):

الف: هنگامی فاطمه (سلام الله علیها) از خانه پدر به خانه علی (علیه السلام) منتقل گردیده در شب زفاف امیرالمؤمنین (علیه السلام) فاطمه (سلام الله علیها) را نگران و ناراحت دید، پرسید: برای چه امری ناراحت و نگرانی؟ «قَالَتْ: تَفَكَّرْتُ فِي أَحْوَالِي وَأَمْرِي عِنْدَ ذَهَابِ عُمْرِي وَ نُزُولِي فِي قَبْرِي.»

فرمود: «در احوال خود فکر کردم، به یاد پایان زندگی دنیا افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم، روزی از اینجا به سوی خانه قبر و قیامت خواهم رفت.» (نهج الحیة محمد دشتی ص 21)

ب: روزی پیامبر اکرم فاطمه (سلام الله علیها) را اندوهناک و ناراحت دید پرسید: حزن و اندوه تو برای چیست؟ «قَالَتْ: يَا أَبَتَ ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَ وَقُوفَ النَّاسِ عِرَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَسْوَأَتَاهُ يَوْمَئِذٍ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.»

«ای پدر روز محشر و توقف مردم را در آن روز، در حالی که برهنه اند به یاد آوردم وای از زشتیهای آن روز در پیشگاه

خداوند بزرگ.»

(تفسیر فرات کوفی ص 455) (بحار الانوار مجلسی ج 43 ص 25).

ج: هنگامی که آیات عذاب (حجر / 43 و 44) به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل شد و رسول خدا به شدت گریه کرد یاران پیامبر نیز گریه کردند فاطمه (سلام الله علیها) از گریه پدر اطلاع یافت پرسید: پدر جان چه چیز باعث گریه شما شده است؟ پیامبر آیات عذاب را که بر او نازل گردیده بود، برای زهرا خواند، فاطمه (سلام الله علیها) از خوف خداوند به زمین افتاد.

«قَالَتْ: أَلَوَيْلَ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ.»

فرمود: «وای به حال کسی که داخل آتش جهنم شود.»

(الدروع الواقیه ابن طاموس ص 276) (بحار الانوار مجلسی ج 8 ص 203، همان ج 44 ص 88، همان ج 54 ص 341) (بیت الاحزان قمی ص 44) (صحیفه الزهرا شیخ جواد قیومی ص 282)

فاطمه (سلام الله علیها) و عبادت:

بعد از ایمان، بالاترین مقام نزد خداوند عبودیت و بندگی است؛ عبادت فاطمه (سلام الله علیها) در حدّی بود که مشهور است: فاطمه (سلام الله علیها) این قدر در نماز ایستاد تا قدم های مبارک متورم گردید: از حسن بصری نقل است که گفت: من کسی عابد تر از فاطمه (سلام الله علیها) ندیدم.

(ما کان فی هذه الامة اعبد من فاطمة، کانت تقوم حتی تورم قدماها)

(مناقب آل ابی طالب ابن شهر آشوب ج 3 ص 119)

از امام حسن مجتبی (علیه السلام) نقل است که فرمودند:

«در شب جمعه ای مادرم را از سرشب تا صبح در رکوع و سجود دیدم.»

هنگام صبح شنیدم برای مردان مؤمن و زنان مؤمنه دعا می کرد حتی نام آنها را هم به زبان می آورد، ولی برای خودش دعا نمی کرد. سوال کردم مادر! چرا برای خود دعا نمی کنی چنان چه برای دیگران دعای کنی؟

«فَقَالَتْ: يَا بُنَيَّ الْجَارُ ثَمَّ الدَّارُ.»

فرمود: «پسر من همسایه مقدم است.»

(علل الشرایع ج 1 ص 216)

نمازها و دعاها فاطمه در کتب ادعیه مشهور است برای عبادت فاطمه همین قدر کافی است که این آیه: «و

تَتَجَافَى جُنُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» (سجده / 16)

و آیه: «الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا» (آل عمران / 191)

یکی از مصادیق این دو آیه فاطمه (سلام الله علیها) است که در عبادت فاطمه نازل شده است.

(امالی شیخ صدوق ص 471 ریاحین الشریعه محلاتی ج 1 ص 180 ونور الثقلین الحویزی ج 4 ص 229 و همان ج 1 ص 424).

حقیقت عبادت، اطاعت خدای تعالی است و قیام به امتثال اوامر و نواهی او است هر کس که چنین باشد او عابد

است که از مصادیق بارز عبادت نماز است و نماز شب فاطمه در شب زفاف بیان گر شدت وابستگی فاطمه (سلام الله علیها) به نماز است.

آن شبی که به خانه شوهر آمد به علی عرض کرد:

«قَالَتْ: فَأُشَدِّكَ اللَّهُ أَنْ قُمْتَ إِلَى الصَّلَاةِ فَتَعْبُدَ اللَّهَ هَذِهِ اللَّيْلَةَ.»

«پس تو را به خدا قسم می‌دهم که بیا تا به نماز بایستیم و در این شب خدا را عبادت کنیم» (نهج الحیاة دشتی ص 21)

فاطمه (سلام الله علیها) و الگوی حجاب:

فاطمه (سلام الله علیها) مهمترین ارزشی که برای زن قائل بود و حفظ آن را در حد حال لازم و ضروری می‌دانست، حفظ حجاب بود که اهمیت آن در رفتار و گفتارش هویدا و آشکار است، که به مواردی از آن اشاره می‌شود.

الف: مردی نابینای از فاطمه (سلام الله علیها) درخواست ملاقات با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را نمود ولی در طول ملاقات، فاطمه (سلام الله علیها) در پرده حجاب پنهان بود، پس از بیرون رفتن مرد نابینا، پیامبر فرمود (صلی الله علیه و آله): فاطمه جان چرا خود را از او پنهان داشتی در حالی که او تو را نمی‌دید؟ «قَالَتْ: اِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَأَيَّ آرَاهُ وَ هُوَ يَشْتُمُ الرِّيحَ» فرمود: «اگر او مرا نمی‌دید، من او را می‌دیدم. در حالی که مرد به استشمام بوی زن‌ها حساس است. پیامبر فرمود: شهادت می‌دهم تو پاره تن من هستی و پاره از وجود من.»

(النوادر راوندی ص 61)، (دعائم الاسلام القاضي النعمان المغربي ج 2 ص 4)

ب: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از یاران خود پرسید: در چه حالی زن به خدای خود نزدیک‌تر است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) از اصحاب پاسخ مناسبی دریافت نکرد. خبر به فاطمه (سلام الله علیها) رسید فرمودند: «قَالَتْ أَدْنَى مَا تَكُونُ مِنْ رَبِّهَا أَنْ تَلْزَمَ قُعْرَبَيْتَهَا.»

«نزدیکترین حال زن به خدایش، در حالی است که او در درون خانه خود باشد» (نواد راوندی ص 29) (بحار ج

110 ص 250)

ج: علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تقاضا کردند، که آن حضرت (صلی الله علیه و آله) کارهای خانه را میان آنها تقسیم نمایند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) کارهای داخل خانه را به عهده فاطمه (سلام الله علیها) و کارهای بیرون از منزل را به عهده علی (علیه السلام) قرار دادند.

امام باقر فرمود: «قَالَتْ فَاطِمَةُ: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَاخَلَنِي مِنَ السُّرُورِ إِلَّا اللَّهُ بِكَفَائِي رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله) تَحْمِلُ الرَّقَابَ الرَّجَالِ.»

فاطمه (سلام الله علیها) فرمود: «هیچ کس جز خدا نمی‌داند که از این تقسیم چه قدر خوشحال شدم، از اینکه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) کارهای بیرون از خانه را به عهده من قرار نداد و مرا از سختی مراوده با مردان نجات داد.» (قرب الاسناد حمیری حدیث 170 ص 52 کتاب المؤمن ص 53، وسائل الشیعه ج 20 ص 172).

د: روزهای آخر زندگی فاطمه (سلام الله علیها) بود به اسماء فرمود: من از کیفیت برداشتن جنازه‌های اهل مدینه ناخوشنودم، زیرا جنازه روی تخته‌ای قرار دارد و روی جنازه پارچه‌ای را می‌اندازند که حجم بدن میّت، از زیر پارچه

معلوم است. اسماء عرض کرد! ما وقتی در حبشه بودیم آنجا تابوتی را تهیه می‌کردند که حجم بدن دیده نمی‌شد. اسماء صورت آن را از جاپوب و برگ به فاطمه نشان داد «فَقَالَتْ: مَا أَحْسَنَ هَذَا وَ أَجْمَلُهُ لَا تَعْرِفُ بِهِ الْمَرْئَةُ مِنَ الرَّجُلِ.»

فرمود: «این تابوت جاپه نیکو و زیبا است، در این تابوت زن از مرد شناخته نمی‌شود.» (کشف الغمه اربیلی ج 2 ص 126) (، سنن الکبری ، بیهقی ج 4 ص 34)

فاطمه والگوی معاشرت:

آنجایی که در زندگی اجتماعی برای هر انسانی ضروری است، نحوه رفتارش با هم نوعان او است. فاطمه (سلام الله علیها) در این رابطه هم الگوی گفتاری و هم الگوی رفتاری دارد که به موارد مختصری از آن اشاره می‌شود:

الف) گفتار جامع فاطمه (سلام الله علیها) راجع به معاشرت عمومی و خانوادگی:

«قَالَتْ: خِيَارُكُمْ أَلَيْنَكُمْ مَنَاقِبَةً وَ أَكْرَمَهُمْ لِنِسَائِهِمْ.»

فرمود: «بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم ملایم تر است. و ارزشمندترین مردم کسانی اند که با همسرانشان مهربانتر و بخشنده تراند.» (نهج الحیاة محمددشتی ص 119، صحیفه الزهرا قیومی ص 288).

ب) گفتار جامع فاطمه، راجع به معاشرت دوستان و دشمنان:

از امام صادق (علیه السلام) نقل است که آن حضرت فرمود:

«قَالَتْ: بَشَرٌ فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوْجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ وَ بَشْرُفِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ الْمُعَادِي يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ.»
«پاداش خوشروی در برابر مؤمن بهشت و در برابر دشمنان ستیزه جو، رهای از آتش جهنم است» (تفسیر امام حسن عسکری ص 281) (مستدرک وسائل الشیعه ج 10 ص 262)، (بحار الانوار ص 401 ج 72) .

ج) الگوی رفتاری با زیردستان:

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد خانه فاطمه گردید، دید کارگر خانه استراحت کرده و فاطمه (سلام الله علیها) مشغول انجام کار است. رسول خدا علت را سوال کرد فرمود: فاطمه (سلام الله علیها) جواب داد:

«قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى يَوْمٍ وَعَلَيْهَا يَوْم.»

عرض کرد یا رسول الله ما کار خانه را تقسیم کرده ایم: یک روز من کار می کنم، روز دیگر او کار می کند، اشک در چشمان رسول خدا حلقه زد، فرمود: «خدا آگاه است که رسالت را در کجا قرار دهد» (احقاق الحق مرعشی ج 10 ص 277)

د) الگوی رفتاری با بزرگان:

از سوید بن غفله نقل شده که روزگاری سختی بر علی (علیه السلام) پیش آمد، شبی فاطمه (سلام الله علیها) به خانه پدرمشرف شد هنگامی دم در رسید، در زد، از نحوه در زدنش پیامبر متوجه شده فرمود: احساس می کنم حبیبم فاطمه در می زند. به ام ایمن فرمود در را باز کن ام ایمن در را باز کرد فاطمه وارد شد، پیامبر فرمود: آمدنت غیر منتظره بود، عادتاً در چنین موقع نمی آمدی! «فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا طَعَامُ الْمَلَائِكَةِ عِنْدَ رَبِّهَا؟» پیامبر فرمود: «طعام آنها حمد و ثنای الهی است.»

«فَقَالَتْ: مَا طَعَامُنَا؟»

عرض کرد ما که بشر هستیم خوراک ما چیست؟ (دعوات راوندی ص 47) (بحار الانوار ج 90 ص 272).
اولاً: برخورد فاطمه (سلام الله علیها) و رفتارش چنان مؤدبانه بود که پیامبر از نحوه در زدن او متوجه شد که این گونه رفتار مؤدبانه از فاطمه است.
ثانیاً: فاطمه با کنایه عرض کرد که پیامبر خود بفهمند که ما در خانه غذا نداریم.

فاطمه و الگوی همسررداری:

اساس زندگی مشترک، خانه داری بر حس همکاری، تحمل سختی ها و کمبودها و قدر دانی زن و شوهر از زحمات یکدیگر استوار است نه براساس حق قانونی و شرعی فاطمه (سلام الله علیها) خود بهترین الگو برای زندگی مشترک خانه داری است:

الف) کار در منزل:

از ام سلمه روایت شده که علی (علیه السلام) فرمود: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) وارد خانه ما شد از اوضاع زندگی ما جويا گردید: فاطمه جواب داد: «قَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَجَلَّتْ يَدِي مِنَ الرَّحَى أَطَحَنْ مَرَّةً وَأَعَجَنْ مَرَّةً» فرمود: «ای رسول خدا دست هایم از آسیاب کردن تاول زده گاهی گندم را آرد می کنم و گاهی آرد را خمیر می کنم» (احقاق الحق ج 10 ص 266) (الذریه الطاهره النبویه ص 103)

ب) اظهار خوشنودی از همکاری شوهر:

فاطمه (سلام الله علیها) ضمن اینکه کارهای سنگین خانه را در آن روزگار انجام می داد؛ مانند آرد کردن، نان پختن، لباس شستن و بجایه داری کردن، از همکاری شوهرش با او اظهار رضایت می کرد. روزی خدمت پدر مشرف شد تا از سختی زندگی خود به رسول خدا گزارش دهد: «فَقَالَتْ: قَدْ مَجَلَّتْ يَدَايَ مِنَ الرَّحَى لَيْلَتِي جَمِيعاً أَدْرَ الرَّحَى حَتَّى أَصْبَحَ وَأَبْوَ الْحَسَنُ يَحْمِلُ حَسَنًا وَحُسَيْنًا.» عرض کرد: «هر دو دستم از آسیاب کردن تاول برداشته است دیشب تا صبح گندم آرد می کردم (علی علیه السلام هم بیکار نبود) از فرزندان خود حسن و حسین مراقبت می کرد» (بحار الانوار ج 43 ص 134)

ج) ساختن با کمبودهای زندگی:

روزی علی (علیه السلام) وارد منزل شد فرمود: فاطمه! آیا غذایی داری؟ فاطمه (سلام الله علیها) پس از سکوت اندک فرمود: دو روز است در منزل غذای کافی نداریم آنجا چه بود بر شما و فرزندان م حسن و حسین دادم و خود از غذا استفاده نکرده ام. علی (علیه السلام) فرمود: چرا به من خبر ندادی تا غذا تهیه کنم؟ «قَالَتْ: يَا أَبَا الْحَسَنِ إِنِّي لَا سَتَحِييَ مِنَ الْهَيِّ أَنْ أَكْلَفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ.» فرمود: «یا علی (علیه السلام) از پروردگارم حیا می کنم که چیزی را از تو بخواهم که نتوانی فراهم نمایی.» (بحار الانوار مجلسی ج 37 ص 103)

د) احترام به عملکرد شوهر:

علی (علیه السلام) باغی را به دوازده هزار در هم فروخت پول آن را به فقراء مدینه تقسیم کرد خود دست خالی به

خانه آمد فاطمه (سلام الله علیها) از قضیه با خبر بود، به علی (علیه السلام) عرض کرد: یا علی! سهم غذای ما امروز جابه شد؟ (کنایه از اینکه ما سهمی نداشتیم) علی برای تهیه غذا برگشت پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شد فرمود: خدا می‌فرماید: دست علی را باز نگهدار. فاطمه (سلام الله علیها) از این سوال خوداظهار ناراحتی می‌کرد.

«قَالَتْ: فَأَنِّي أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ لَا أَعُودُ أَبَدًا.»

«از این سوالی که کردم از خدا آمرزش می طلبم دیگر این کار را تکرار نخواهم کرد» (امالی صدوق مجلس 71 ص 470 ترجمه و تلخیص)

فاطمه و حمایت از مقام ولایت:

یکی از اسراری که هنوز هم به خوبی روشن نیست حمایت های بی دریغ فاطمه (سلام الله علیها) از شوهرش بود که تا پای جان از شوهرش حمایت کرد و در این راه به شهادت رسید اگر چه در ظاهر حمایت او از علی به عنوان پدر فرزندان و پسر عمش بود ولی در واقع این همه فداکاری زهرا (سلام الله علیها) از علی (علیه السلام) به عنوان مقام ولایت و اساس دین اسلام بود (ولم ینادی بشیی کما نودی بالولاية) که تمام فداکاریهای فاطمه (سلام الله علیها) برای حفظ این امر مهم انجام گرفت. (رک کافی ج 2 ص 21) و فاطمه (سلام الله علیها) رضای خدا را در اطاعت از مقام ولایت جستجو می کرد. (همان ص 23)

الف) احترام به ضمانت شوهر:

بعد از جریان تأسف بار سقیفه سران آن برای جلب افکار عمومی از علی (علیه السلام) درخواست اجازه ورود به خانه فاطمه (سلام الله علیها) را کردند تا از علی (علیه السلام) اجازه ورود گرفتند. علی به سران سقیفه فرمود: شما پشت در منتظر بمانید تا من از دختر پیامبر اجازه بگیرم علی جریان را به فاطمه گزارش داد، که من به آنان اذن داده ام نظر تو در این مورد چیست؟

«قَالَتْ: اِنْ كُنْتُ صَمْنْتُ لَهُمَا شَيْئًا فَالْبَيْتَ بَيْتُكَ وَ النِّسَاءُ تَتَّبِعُ الرِّجَالَ لَا أَخَالِفُكُ بِشَيْءٍ.»

فرمود: «اگر به آنها قولی داده باشی خانه مال شما است زنها مؤظف به پیروی از شوهران هستند من مخالفتی ندارم» (علل الشرایع ج 1 ص 221)

ب) اطاعت از دستور شوهر:

پس از هجوم دشمنان به خانه فاطمه (سلام الله علیها) و دستگیر کردن علی را، فاطمه (سلام الله علیها) در حمایت شوهر و مقام ولایت تصمیم گرفت تا لب به نفرین گشایند علی (علیه السلام) از تصمیم فاطمه (سلام الله علیها) با خبر شد توسط سلمان به فاطمه (سلام الله علیها) پیغام داد که از طرف من به فاطمه بگو دست از نفرین بردار به خانه برگرد. وقتی فاطمه (سلام الله علیها) این پیغام را شنید، «قَالَتْ إِذَا أَرَجُّعُ وَ أَخْبَرُ وَ أَسْمَعُ لَهُ وَ أَطِيعُ.» فرمود: اکنون که شوهرم و امامم دستور داده باز می‌گردم اطاعت می‌کنم (مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 118).

ج) دفاع عملی از شوهر:

فاطمه (سلام الله علیها) هنگامی که دید، شوهرش در معرض تهدید جدی قرار دارد شخصاً وارد عمل گردید، از خانه به طرف مسجد آمد وارد مسجد شد؛
قَالَتْ: خَلُّوا عَنِ ابْنِ عَمِّی فَوَالَّذِی بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ لَئِنْ لَمْ تُخَلُّوا عَنْهُ لَا نُشَرِّنَ شَعْرَی وَ لَا ضَعَنَّ قَمِیصَ رَسُولِ اللَّهِ عَلَی رَأْسِی لَا فَرْخَنَّ إِلَى اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.»
فرمود: «از پسر عمم دست بردارید به خدا قسم اگر او را رها نکنید، با موی پریشان پیراهن رسول خدا را به سر می‌افکنم، به سوی خدا فریاد می‌کشم» (مناقب ابن شهر آشوب ج 3 ص 118)

د) اظهار نگرانی شدید از سلامتی شوهر:

در گرما گرم حادثه که زهرا به شدت مصدوم شده بود سلمان بر جان او ترسید عرض کرد دختر پیامبر بهتر است به خانه برگردی
«قَالَتْ: وَیَلَهُمْ یَا سَلْمَانَ یُرِيدُونَ أَنْ یُؤْتَمُوا وَلَدَیَّ الْحَسَنِیْنَ فَوَاللَّهِ یَا سَلْمَانَ لَا أُخَلِّی عَنْ بَابِ الْمَسْجِدِ حَتَّى أَرَى ابْنَ عَمِّی سَالِمًا بَیْنِی.»
فرمود: «وای بر آنها ای سلمان می‌خواهند فرزندانم را یتیم کنند به خدا قسم از در مسجد بیرون نمی‌روم تا شوهرم را به جایشان خود در حال سلامتی نبینم.» (کوکب الدری حایری ج 1 ص 196) (اختصاص مفید ص 181)

ه) نهایت وفاداری به شوهر:

وقتی علی (علیه السلام) از مسجد بیرون آمد تا اینکه علی (علیه السلام) دید.
«قَالَتْ: رُوْحِي لِرُوْحِكَ الْقَدَاءِ وَ نَفْسِي لِنَفْسِكَ الْوَقَا يَا أَبَا الْحَسَنِ اِنْ كُنْتُ فِي خَيْرٍ كُنْتُ مَعَكَ اِنْ كُنْتُ فِي شَرٍّ كُنْتُ مَعَكَ.»

فرمود: «علی جان! جان و تنم فدایت من در هر حال با تو ولایت خواهم بود» (الکوکب الدری حائری ج 1 ص 196)

فاطمه و مبارزات سیاسی:

مهمترین بخش از سخنان فاطمه (سلام الله علیها) در مبارزات سیاسی او آمده که حساسترین و دشوارترین روزهای زندگی آن حضرت به حساب می‌آید، اول به مبارزه مثبت روی آورد پس از آن به مبارزه منفی دست زد، در هر دو نوع از مبارزه ابتکار عمل را در دست گرفت.

الف) افشاگری:

بعد از پیامبر حادثه سقیفه پیش آمد مردم با ابابکر بیعت کردند بعد از بیعت مردم بابی بکر مبارزات سیاسی فاطمه (سلام الله علیها) آغاز گردید، برای اولین بار بود که برای مبارزه از خانه بیرون آمد دم در خانه‌اش ایستاد، رو به مردم کرد:

«وَقَالَتْ مَا رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ قَطُّ حَضَرُوا أَسْوَأَ مَحْضَرٍ تَرَكُوا نَبِيَّهِمْ (صلى الله عليه وآله) جَنَازَةً بَيْنَ أَظْهَرِنَا وَ اسْتَبَدَّوْا بِالْأَمْرِ دُونَنَا.»

«مانند این روز را هرگز ندیدم که امت اسلامی زشت‌ترین صحنه را به وجود آوردند جنازه پیامبرشان را در برابر ما وا گذاشتند، خود سرانه دیگران را به جای ما قرار دادند.»
(امالی مفید م 11 حدیث 5 ص 95، بیت الاحزان قمی ص 80، بحار الانوار مجلسی ج 28 ص 25، صحیفه الزهرا ص 258.)

ب) طلب یاری از امت:

هنگامی دید این تذکر مؤثر واقع نگردید روزی در میان انبوه جمعیت از مهاجرین و انصار آمد.

«قَالَتْ: يَا مَعْشَرَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْانصَارِ! أَنْصَرُوا لِلَّهِ فَإِنِّي ابْنَةُ نَبِيِّكُمْ وَ قَدْ بَايَعْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) يَوْمَ بَايَعْتُمُوهُ أَنْ تَمْنَعُوهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ مِمَّا تَمْنَعُونَ مِنْهُ أَنْفُسَكُمْ وَ ذُرَارِيُّكُمْ فَفَوَ لِرَسُولِ اللَّهِ بَبَيْعَتُكُمْ.»

فرمود: «ای جماعت مهاجرین و انصار! خدا را یاری کنید من دختر پیامبر شما هستم. شما با پیامبر بیعت کردید که از پیامبر و فرزندان او دفاع کنید، همان گونه که از خود و فرزندان خود، دفاع می کنید پس به بیعت خود وفادار بمانید.» (اختصاص مفید ص 184)

ج) رفتن به خانه های مسلمین:

هر کسی که از مسلمانان مدینه موقعیت اجتماعی داشت، فاطمه (سلام الله علیها) برای یاری کردن آنها، از آنان طلب یاری کرد؛ معاذبن جبل یکی از افراد سرشناس مدینه بود روزی در خانه او رفت:

«قَالَتْ: يَا مَعَاذَا اِنِّي جِئْتُكَ مُسْتَنْصِرَةً وَ بَايَعْتَ رَسُولَ اللَّهِ عَلَى أَنْ تَنْصُرَهُ وَ ذُرِّيَّتَهُ وَ تَمْنَعَهُ مِمَّا تَمْنَعُ مِنْهُ نَفْسُكَ وَ ذُرِّيَّتُكَ.»

فرمود: «ای معاذ نزد تو آمدم از تو طلب یاری دادم تو با پیامبر (صلى الله عليه و آله) بیعت کردی تا پیامبر (صلى الله عليه و آله) و فرزندان او را یاری کنی همان گونه که از خود و فرزندان خود دفاع می کنی.» (اختصاص مفید ص 184).

د) اظهار شکایت از امت نزد خدا:

از امام صادق نقل است پس از آن که اقدام عملی فاطمه (سلام الله علیها) مؤثر واقع نگردید، به شکایت و گریه روی آورد.

«قَالَتْ: اَللّٰهُمَّ اَلَيْكَ نَشْكُو فَفَقَدْ نَبِيَّكَ وَ رَسُولَكَ وَ صَفِيَّكَ وَ ارْتَدَّ اُمَّتُهُ عَلَيْنَا وَ مَنَعَهُمْ اِيَّانَا حَقًّا.»

«خدایا از غم از دست دادن پیامبر برگزیده ات، ارتداد امت او و جلوگیری آنها از حق ما، بر تو شکایت می کنیم.» (بحار الانوار مجلسی ج 43 ص 156) (هدایه الکبری ابن حمدان ص 407) (صحیفه الزهرا قیومی ص 174).

ه) اعتصاب:

اعتصاب یکنوع مبارزه منفی است که اشکال گوناگون دارد. آن هنگامی بود که فاطمه (سلام الله علیها) در خانه بستری گردید، دیگر توانای برای مبارزه مثبت نداشت. در روزهای سخت بیماری فاطمه (سلام الله علیها) زنان مهاجرین و انصار به عیادت او شتافتند و عرض کردند ای دختر پیامبر، با این بیماری چگونه به سر میبری؟

«قالت: أَصَبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لَدُنْيَاكُنْ قَالِيَّةٌ لِرَجَالِكُنْ لَفَظْتُهُمْ قَبْلَ أَنْ عَجَمْتُهُمْ.»

فرمود: «به خدا قسم دنیای شما را دوست ندارم، از مردان شما خشنماک و بیزارم قبل از اینکه آنها را بیازمایم نام آنان را از مردانگی دور انداختم.»

(دلائل الامامة طبری ص 129، السقيفة و فدک جوهری ص 120، معانی الاخبار صدوق ص 354) شرح نهج

البلاغه ابن ابی الحديد ج 16 ص 233، بلاغات النساء ابن طيفور ص 19، كشف الغمة ج 2 ص 114)

به نحوی که از این فراز خطبه به دست می‌آید فاطمه (سلام الله علیها) مبارزه منفی خود را از همین جا آغاز می‌کند مرحله به مرحله شدت بخشیده به پایان زندگی می‌رسد.

1- اعلام انزجار عمومی از تمامی کسانی که در چنین قضیه سرنوشت ساز، بی تفاوت ماندند.

وقتی زن‌ها این اعلام انزجار را به خانه‌هایشان انتقال داده و مردان‌شان مورد نکوهش قرار می‌دهند، خانه‌ها را به کانون انقلاب تبدیل می‌کنند، سران حکومت تصمیم می‌گیرند از فاطمه (سلام الله علیها) عیادت و دلجوی کنند.

2- امتناع از سخن گفتن با کسانی که به فاطمه (سلام الله علیها) ظلم کردند آن هم بعد از این که از سران

حکومت، بر ظلم‌شان اعتراف گرفت، هنگامی که سران حکومت برای آرام کردن افکار عمومی خواستند از فاطمه

(سلام الله علیها) رضایت بجویند. وقتی وارد خانه فاطمه شدند بعد از اصرار فاطمه (سلام الله علیها) از آنها

پرسید شما را به خدا قسم می‌دهم آیا شنیدید که پیامبر فرمود: فاطمه پاره تن من است من از او هستم هر که

فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کند خدا را اذیت کرده هر که فاطمه را بعد از من اذیت کند مثل

این است که او را در زمان حیات من اذیت کرده است؟ گفتند آری به خدا شنیدیم.

«ثُمَّ قَالَتْ: اَللّٰهُمَّ اَشْهَدُكَ فَاَشْهَدُوْا يَا مَنْ حَضَرْنِيْ اَنْتَهُمَا قَدْ اَذْيَانِيْ فِيْ حَيَاتِيْ وَ عِنْدَ مَوْتِيْ وَاللّٰهُ لَا اُكَلِّمُكُمْ اَمِنْ رَّاسٍ

كَلِمَةً حَتَّى اَلْقَى رَبِّيْ.»

فرمود: «خدایا تو گواهی و ای کسی که اینجا حاضر هستی گواه باشید که این دو تن در زمان حیات و وقت مرگم

مرا اذیت کردند به خدا قسم یک کلمه هم به شما نخواهم گفت تا پروردگارم را ملاقات کنم» (علل الشایع ج 1

ص 221 ترجمه و تلخیص).

3- جلوگیری ستمگران از شرکت در تشییع جنازه‌اش: فاطمه (سلام الله علیها) هنگامی که از دنیا می‌رفت

در آخرین لحظات عمرش به علی وصیت کرد:

«لَا تُصَلِّيْ عَلَيَّ اُمَّةٌ نَقَضَتْ عَهْدَ اللّٰهِ وَ عَهْدَ اَبِي رَسُوْل اللّٰهِ فِيْ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٍّ (عليه السلام) وَ ظَلَمُوا لِيْ حَقِّيْ.»

«امتی که پیمان خدا و پیامبر را در ولایت شکستند و در حق من ظلم کردند، حق ندارند بر پیکر من نماز بخوانند»

(بحار الانوار مجلسی ج 78 ص 310).

4- جلوگیری از آشکار شدن قبرش، در آخرین لحظات زندگی فاطمه (سلام الله علیها) به علی فرمود:

«قَالَتْ: اِذَا تَوَفَّيْتُ لَا تُعْلِمُ اَحَدًا اِلَّا اُمَّ سَلَمَةَ وَ اُمَّ اَيْمَنَ وَ فَصَّةَ وَ مَنْ الرِّجَالِ اَبِيْنِيْ وَ الْعَبَّاسَ وَ سَلْمَانَ وَ عَمَّارَ

وَالْمُقَدَّادَ وَ اَبَا ذَرَّ وَ حَذِيفَةَ وَ لَا تُدْفِنِيْ اِلَّا لَيْلًا وَ لَا تَعْلَمُ قَبْرِيْ اَحَدًا.»

فرمود: «وقتی از دنیا رفتم کسی را اطلاع نده جز چندتن، از زن‌ها ام سلمه، ام ایمن و فصه، و از مردان دو فرزندم

حسن و حسین و عباس و سلمان، عمار، مقداد، ابادر و حذیفه را خبر کن و دفن نکن مرا مگر در شب و قبرم را به

کسی اطلاع نده تا قبرم مخفی باشد» (دلائل الامامة طبرسی ص 45).

این آخرین و شدیدترین مرحله مبارزه از زهرا (سلام الله علیها) بود که تا دامنه قیامت ادامه دارد مخفی بودن قبر

فاطمه (سلام الله علیها) یکی از معماهای سیاسی است که هر وجدان بیدار را تا قیامت به قضاوت وادار می‌کند.

نتیجه:

در این مقاله سعی شده است که گزیده سخنان فاطمه (سلام الله علیها) که در ابعاد گوناگون زندگی ما، راه گشا است آورده شده. که مهمترین بعد از ابعاد اعتقادی ما است که هر روز ضعیف و ضعیف تر می شود نمی شود تمامی تلاشها، صرف دنیاگرایی و تجمل پرستی شود و بعد اعتقادی ضرر نکند آن عقیده ای که انسان را، وادار به عمل نکند فقط نام آن عقیده است.

در امور اجتماعی، سیاسی، معاشرت و همسرداری، الگوی مناسب زن مسلمان، همان رفتار عملی و گفتار فاطمه (سلام الله علیها) است زیرا رفتار عملی فاطمه (سلام الله علیها) منطبق بر گفتار اوست که زن مسلمان در قدم اول از همین الگو تبعیت کرده رفتارش را منطبق برگفتارش نموده الگو پذیری خود را از فاطمه (سلام الله علیها) اثبات می کند.

در قدم دوم، سخنان فاطمه (سلام الله علیها) را در تمام ابعاد زندگی، الگوی خود قرار داده از اثر پذیری جو نامساعد معاصر و القا آت گمراه کنند دشمنان اسلام به ویژه تهاجم فرهنگی آنان در پناه عصمت آن بانوی نمونه اسلام مصون خواهد ماند. والسلام.

فهرست منابع

1. قرآن مجید

2. نهج البلاغه ، ترجمه محمد دشتی، چاپ اول ، نشر مصطفی ، قم ، 1379

3. ابن بابویه ، علی . الامامة و التبصرة من الحيرة ، ناشر مدرسه امام هادی ، قم .

4. ابن جریر طبری شیعی ، ابی جعفر محمد . دلائل الامامة ، تحقیق بخش دراسات الاسلامیة مؤسسه بعثت،

چاپ اول ، مؤسسه بعثت ، قم، 1413

5. ابن جریر طبری شیعی ، ابی جعفر محمد . المسترشد فی امامة امیر المؤمنین ، تحقیق شیخ احمد محمودی

، چاپ اول مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور ، چاپ سلیمان فارسی ، قم .

6. ابن حمدان الخصیبی ، ابی عبدالله الحسین . الهدایة الکبری ، چاپ چهارم ، مؤسسه بلاغ ، بیروت ، 1411

7. ابن سعید الکوفی الاهوازی ، حسین . کتاب المؤمن ، تحقیق مدرسه امام المهدی (عج)، چاپ اول ، ناشر

مدرسه امام المهدی (عج) ، 1404 .

8. ابن شاذان الازدی النیشابوری ، فضل . الايضاح ، تحقیق سید جلال الدین الحسینی الارموی المحدث.

9. ابن طاووس ، سید علی بن موسی . الدروع الواقیه ، چاپ اول ، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث ، چاپ یاران ،

قم ، محرم 1414 .

10. ابن طيفور . بلاغات النساء ، ناشر كتابخانه بصيرتى ، قم.
11. ابن منظور . لسان العرب ، چاپ اول ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، 1408، 14 ج .
12. ابو محمد ، حسن العسكرى . تفسير امام حسن عسكرى (ع) ، چاپ اول ، دار احياء التراث العربى، بيروت ، 1421.
13. اربيلى ، على بن عيسى . كشف الغمة فى معرفة الاثمه ، چاپ دوم ، دار الاضواء بيروت ، 1405.
14. البيهقى ، احمد بن الحسين بن على . سنن الكبرى ، انتشارات دارالفكر ، چاپ دارالفكر ، بيروت ، 10 ج.
15. جوهرى البغدادي ، ابى بكر احمد بن عبد العزيز. السقيفة وفدك ، تحقيق دكتور محمد هادى امينى ، چاپ دوم ، شركة الكتبى ، بيروت ، 1413 .
16. حائرى ، مهدي . الكوكب الدرى ، چاپ اول ، انتشارات الشريف الرضى ، چاپ امير، قم ، 1368 .
17. حر عاملى ، محمد بن حسن . وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة ، چاپ ششم ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، 1412 ، 20 ج .
18. حر، خليل ، مترجم ، طبيبيان، سيد حميد، انتشارات امير كبير ، چاپ، چاپخانه سپهر تهران ، چاپ نهم ، 1377 2 ج .
19. حميرى ، عبدالله . قرب الاسناد ، چاپ اول ، مؤسسه اهل بيت (عليهم السلام) ، قم ، 1413 .
20. حويزى ، عبد على بن جمعه . نورالثقلين ، افست علميه ، چاپخانه علميه ، قم ، 1383 ق .
21. دشتى ، محمد . نهج الحياة ، چاپ اول ، انتشارات مشهور ، قم ، 1380 .
22. راوندی ، فضل الله . النوادر ، چاپ اول ، مؤسسه سلمان فارسى ، قم ، 1376 .
23. صدوق ، محمد بن على بن بابويه . علل الشرايع ، چاپ اول ، انتشارات دارالحجة الثقافية ، 1416 .
24. صدوق ، محمد بن على بن بابويه . الامالى ، چاپ پنجم ، چاپ اسلامية ، تهران ، 1370 .
25. صدوق ، محمد بن على بن بابويه . معانى الاخبار ، چاپ سوم ، نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسين ، قم ، 1416 .
26. طبرسى ، ابو على فضل بن حسن . الاحتجاج ، انتشارات نعمان ، چاپ نجف اشرف ، 1386 ق .
27. طبرسى ، احمد بن عبد الله . ذخائر العقبى فى مناقب ذوى القربى ، چاپ اول ، مكتبة القدسى لحسام الدين القدسى ، 1365 .
28. العاملی النياطى البياضى ، زين الدين محمد بن يونس . الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم ، تحقيق محمد باقر بهبودى ، مكتبة الرضوية لاحياء الآثار الجعفرية ، چاپ حيدرى .
29. فرات كوفى ، ابى القاسم فرات ابن ابراهيم بن فرات . تفسير فرات كوفى ، چاپ اول ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى ، 1410 .
30. قمى ، شيخ عباس . بيت الاحزان ، چاپ اول ، انتشارات دارالحكمة ، چاپ امير ، قم ، 1412 .
31. قيومى ، جواد . صحيفة الزهراء ، چاپ اول ، نشر اسلامى وابسته به جامعه مدرسين ، قم ، 1373 .
32. كلينى ، محمد بن يعقوب . اصول كافى ، چاپ اول ، انتشارات دارالاضواء ، بيروت ، 1413 ، 6 ج.
33. مجلسى ، محمد باقر . بحار الانوار ، چاپ سوم ، دار احياء التراث العربى ، بيروت ، 1403 ، 110 ج.
34. محلاتى ، ذبيح الله . رياحين الشريعة ، چاپ چاپهارم ، دارالكتب الاسلامية ، تهران ، 1364 ، 5 ج.
35. مرعشى ، نورالدين . شرح احقاق الحق و ازهاق الباطل ، چاپ اول ، انتشارات كتابخانه آيت الله العظمى

مرعشی نجفی، قم، 33ج.

36. مفید، محمد بن نعمان . الاختصاص ،نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین ،قم ، 1307.

37. مفید، محمد بن نعمان . الامالی ، چاپ سوم ، نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین ،قم، 1415 .